

سُورَةُ التَّوْبَةِ ٩

بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ



گشته بیزار حق تعالیٰ و رسول
هست روا بر نقض آن میثاقتان
چون شکستند عهد خود آن
مشرکان

فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ



مهلتان کافران! در نزد حق
پس بگردید و روید در هر مکان
این بدانید که شما نیز هیچ گاه
حق بود رسواکننده بهرتان
هست چهار ماه تمام روی نسق
لیک جز ایمان به حق نبود امان
نیستید قادر به عجز آرید اله
می کشاند او به ذلت کافران

وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ ۖ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۖ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ ۖ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ



این بود اعلامی از حق و رسول
حج اکبر که در آن احکام حق
کرده اعلام که خدا باشد بری
توبه گر آرید بر نفع شماست
وَر که برگردید از پروردگار
بهر مردم روز حج اندر اصول
می شود اعمال، با آن منطبق
هم نبی از مشرکان مفتری
فرستی اینجا ز ذات کبریاست
نیستید قادر به عجز کردگار

پس بده بر کافران هشدار و بیم بر عقوبت هم عذابی بس الیم

إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوا شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا
إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ



جز کسانی که ببستید عهد ز پیش عهدشان نشکسته در پیمان خویش
هم نکردند یاوری بر دشمنان استوار بودند به عهد و قولشان
پس کنید اتمام با ایشان عهود تا به وقتی که مقرر گشته بود
عهد خود را پاس دارید این چنین چون که دارد دوست یزدان متّقین

فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْصُرُوهُمْ
وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ ۚ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
رَّحِيمٌ



تا تمام شد آن چهار ماه حرام مشرکان را می توان گشت، والسلام
در کمین باشید بهر آن خسان تا بگیرید و کنید دستگیرشان
لیک اگر توبه نمودند با نیاز سوی یزدان با خلوص آرند نماز
از پی تطهیر در ثروت و مال داده با رغبت زکات را بالمآل
دست بردارید از آنها جملگی تا نمایند در فراغت زندگی
حق تعالی آن غفور و آن رحیم هم ببخشاید ز الطاف عمیم

وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ۚ ذَٰلِكَ
بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ



مشرکی گر بر تو آرد او پناه پس پناهش ده تو با اذنِ اله

خوان بر او زنهار از آیات دین بشنود تا قول یزدان را متین
پس رسان او را به سرمنزل امان چون که نادانند و جاهل مشرکان

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ



در تعهد چون توان بود استوار؟ با گروهی مشرک و ناپایدار
زان جماعت نزد خلاق بشر هیچ نباشد عهد و پیمانی دگر
لیک با آنان که در مسجدحرام عهد بستند و بماندند بامرام
تا زمانی که بمانند استوار پس شما در عهد باشید پایدار
متّقین را دوست دارد کردگار که به تقوی^۱ و به عهدند ماندگار

كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً ۚ يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ
وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ



هم چگونه می‌توان بود باوفا با گروهی عهدشکن غرق خطا
گر بیابند بر شما ایشان ظفر بی‌گذشتند و ببندند هر مفر
می‌نمایند با زبان خوشنودتان لیک در دل کینه و خشم گران
این گروه که نابکار و جاهلند در مرام خویش اغلب فاسقند

إِشْتَرَوْا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ ۚ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ



این گروه آیات سبحان جلیل از جهالت نیز بفروختند قلیل
سد شدند بر راه حق آن غافلان کارشان باشد پلید حدّ گران

لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ

هرگز از بهر جمیع مؤمنان هیچ مراعاتی نمی‌آرند میان
بی‌وفا در عهد و پیمانی که بود با تعدّی بشکنند جمله عهود
حدشکن هستند، قوم بدنهاد فارغ از انصاف و از هر گونه داد
فَإِنْ تَابُوا وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ ۗ وَ نَفَصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

گر کنند توبه به حق از سیئات روی آرند بر نماز و بر زکات
پس بگردند چون برادر با شما در ره دین و رسول ره‌نما
می‌کنیم آیات خود را ما بیان بهر دانایان و نیکومردمان
وَإِنْ تَكُفُّوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ ۖ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ
لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ

گر شکستند مشرکان آنکه عهود طعنه آرند دینتان را در شهود
کارزاری سخت کنید با آن گروه که بوند پیشوای کفر از هر وجوه
نیست ایشان را به میثاق اعتبار شاید از ترس جهاد گیرند قرار
أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۚ أَتَخْشَوْنَهُمْ ۚ
فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

می‌نمایید شک و می‌آرید درنگ؟ که جدال سازید و بنمایید جنگ؟
با کسانی که ز عهد کردند عدول هم تلاش کردند به اخراج رسول
این چنین قومی که هستند نادرست بهر قتلستان به پا خواستند نخست

گشته‌اید قلباً شما بس بیمناک؟ ترسی از جهد و هراسی از هلاک؟
 ترس سزا باشد ز یزدان مجید گر شما بر ذاتِ ایزد مؤمنید
 قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَ يَخْزِيهِمْ وَ يَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَ يَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ

﴿۱۴﴾

بر قتال آید با آن مشرکان تا به لطفِ حق و با دستانتان
 خوار گردند و مقهور این خسان بر شما نصرت ببخشد حق، عیان
 ذاتِ ایزد بعدِ این جنگ و جفا بر قلوب مؤمنان بخشد شفا
 وَيَذْهَبُ غِيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَيَّ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

﴿۱۵﴾

می‌برد از قلبشان غیظ و غضب رحمتی بخشد به جایش ذاتِ رب
 توبه گر آرند از اعمالِ پیش بازگرداند خدا الطافِ خویش
 سوی خود برخواند آن ذاتِ کریم او بود آگاه و می‌باشد حکیم
 أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رُسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

﴿۱۶﴾

از خطا آورده‌اید این‌سان گمان؟ که رها گردیده‌اید بی امتحان؟
 یعنی معلوم آن نگشته بر اله؟ آن کسانی که نه هرگز هیچ‌گاه
 جز خداوند روی نیارند از نهاد هم به اعمال و به هنگام جهاد
 دوست نگیرند هیچ کس را در جز خدا و جز رسول و مؤمنان
 جهان
 ذاتِ پاکِ حق به اسرار و ضمیر هست آگاه و همی باشد خبیر

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ

مشرکان را نیست لیاقت یا سزا که کنند تعمیرِ مسجد، بی‌ریا
خود شهادت می‌دهند بر کفرشان می‌کند نابود خدا اعمالشان
بهرشان باشد عقوبت بس گران تا ابد در قعر دوزخ جاودان

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا
اللَّهَ ۖ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ

هست روا تعمیر مسجدها چنین بر گروهی که بوند از مؤمنین
داشته ایشان اعتقاد از هر جهات بر قیامت، بر نماز و بر زکات
از کسی هرگز نترسند، هیچ‌گاه جز مگر خلاقِ عالم، آن اله
هست امیدی کاین گروه بر کردگار راه یابند و بگردند رستگار

﴿۱۸﴾ أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۚ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ ۖ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

آن که در حج، حاجیان را آب دهد و به سقائی مردم رو نهد
یا کسانی که کنند جهدِ تمام بر مرمت آورند مسجدحرام
کرده همسنگ و مساوی همچنین؟ با کسی که مؤمن است بر یوم دین؟
می‌کند در راه یزدان او جهاد نزد حق این دو مساوی هیچ مباد
حق نمی‌بخشد هدایت بی‌گمان بر کسانی که بوند از ظالمان

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ ۚ
وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

هر که ایمان او بیاورد از یقین بر خداوند و به آیاتِ مُبین
 بهر حق هجرت نماید هم جهاد در ره او جان و مال داده به باد
 اعظم است در جایگاه و مرتبت نزد حق او رستگار از هر جهت

يَبْشِرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ

﴿۲۱﴾

حق دهد مژده به ایشان از کرم سوی رضوان، هم به انواع نعم
 اندر آن فردوس و جنّاتِ نعیم دائماً مانند و پیوسته مقیم

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

﴿۲۲﴾

این چنین انعام باشد جاودان بهر ایشان و همه فردوسیان
 حق تعالی، آن خداوندِ کریم دارد اندر نزد خود اجر عظیم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ
 وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

﴿۲۳﴾

یاوری هرگز نجوید، مؤمنان! از پدر نیز همچنین اخوانتان
 گر که بین حق و باطل جملگی کفر کردند اختیار در زندگی
 هر که دوستی آورد با این کسان خود بگردد او ز جمعِ ظالمان

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ
 تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ
 فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

﴿۲۴﴾

گو پدر یا که پسر از جمعتان هم برادر یا زن و اقوامتان
 همچنین اموالتان کم یا زیاد که بترسید از زیان گردد کساد
 خانه و ملکی که بنمودید حصول دوست‌تر دارید ز رب و از رسول؟
 یا بمانید در جهاد، ناپایدار؟ پس شما را لازم آید انتظار
 تا فرود آرد خداوند امر خویش از عقوبت‌ها که می‌آرد به پیش
 نیست هدایت از خداوند جهان بر گروهی که بوند از فاسقان

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ ۖ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتِ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ

﴿۲۵﴾

حق شما را یآوری آورد به پیش در جهاد مختلف از لطف خویش
 در جدال اندر حنین مفتون شدید غره گشته از سپاه خود شدید
 لیک نیامد از سپاه کاری به جنگ بهرتان آنکه زمین گردید تنگ
 اندر آن میدان به وقت کارزار پشت نمودید جملگی کردید فرار

ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ

﴿۲۶﴾

پس عطا فرمود خدای مهربان بر رسول آرامش و بر مؤمنان
 هم فرستاد بر کمک ایزد سپاه که ندید چشم کسی آن هیچ‌گاه
 کافران را کرد عذابی سخت و خوار این‌چنین اجری بود فرجام کار

ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مَنْ بَعْدَ ذَٰلِكَ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

﴿۲۷﴾

حق تعالیٰ بعد از این نیز بی‌گمان می‌پذیرد توبه را از غافلان

هر که را خواهد ببخشاید کریم ایزدِ مَنانِ غفور است و رحیم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا ۖ وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

﴿۲۸﴾

پس بدانید ای گروهِ مؤمنان! که نجس باشند جمیعِ مشرکان
بعد از این نیستند مُجاز آرند گام در حریم و صحن این مسجدحرام
گر بترسید کارتان گردد کساد از تفضّل‌های رب آرید یاد
که بود آگاه و دانا آن علیم در کمال حکمت و باشد حکیم

قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ

﴿۲۹﴾

لازم است آرید جدال ای مؤمنان! با چنین کفار و این ناباوران
که کنند انکار یزدان با ستیز هم ندارند اعتقاد بر رستخیز
زانچه که گشته حرام اندر اصول از سوی ذات خداوند و رسول
هیچ حرام نشمرده‌اند آن منکران دین حق را رد کنند از جهلشان
کارزاری سخت کنید تا آن زمان که بپردازند جزا با دستشان
سهم خود را از جزیّه در کمال تا به ذلّت دریفتند بالمآل

وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ۚ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ ۚ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ ۚ قَاتِلْهُمْ اللَّهُ ۚ أَنَّى يُؤْفَكُونَ

﴿۳۰﴾

این‌چنین گفتند یهودان آشکار که عُزَیر بوده پسر از کردگار
و نصاریٰ گفته این قولِ قبیح که پسر بوده زِ یزدان هم مسیح

آنچه آرند بر زبان نابخردان هست شبیه گفته‌ی پیشینیان
حق گشد ایشان، بگردند بی‌فروغ! که به یزدان رانده‌اند حرف دروغ

إِتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا
إِلَهًا وَاحِدًا إِلَّا إِلَهُ هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

﴿۳۱﴾

پس نمودند اختیار آن غافلان جای ایزد، عالمان و راهبان
هم بگفتندی مسیح است کردگار غفلتی کردند بزرگ و آشکار
این نمی‌بوده روا، کردند خطا نیست پرستش جز مگر که بر خدا
ذات سبحان هست منزّه بالیقین که شریک بر او بخوانند این‌چنین

يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

﴿۳۲﴾

همچنین کردند اراده بس تباه که کنند خاموش انوار اله
با دهان‌هاشان ببافند بس دروغ تا بگردد نور ایزد بی‌فروغ
حق نخواهد که بگردد این‌چنین بلکه افزایش به اعلا نور دین
پرتو نورش به اوج اندر عیان گر چه در اکراه باشند کافران

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

﴿۳۳﴾

اوست آن کس که فرستاد از وِداد آن رسول پاک خود بهر عباد
این‌چنین دینی که ظاهر سازد او اشرف ادیان شود بی‌گفتگو
تا سرآید دین او بر کُلِّ دین گر چه در اکراه باشند مشرکین

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ
وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۖ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

پس بدانید! ای گروهِ مؤمنان! می‌خورند اموالِ مردم را به زور
سد بگردند بین حق و مردمان
جمع سازند بس طلا و نقره‌جات
پس بشارت ده بر این قومِ لئیم
اکثر از آن عالمان و راهبان
از ره انصاف و داد گردیده دور
همچنین آنها که از حرصِ گران
هم نه انفاقی به حق اندر حیات
از عقوبت و عذابی بس الیم

يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فُتْكُوىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ ۖ هَٰذَا مَا كُنْتُمْ
لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنُزُونَ

پس به روز محشر و روز قیام
بر جبین و پشت و بر پهلوی و سر
آنچه اندوختید و بنهادید گنج
می‌شوند غرقه به آتش مستدام
می‌رسد آتش ز آن سان سیم و زر
برکشید اینک و بالشِ پُر ز رنج

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا
أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ۚ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ ۚ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ ۚ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً ۚ كَمَا
يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً ۚ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

نزدِ حق باشد دوازده در حساب
از همان روزی که خلق کرد
اجمعین
از دوازده ماه، چهار ماه است حرام
در چنین ایام هیچ ظلم و ستم
متفق باشید به جنگ با مشرکان

این چنین گشت دینِ قیّم مستدام
نیست جایز بهر غیر و خویش هم
چون که باشند متحد آن کافران

این بدانید ای جمیع مؤمنین! حق بود با اهل تقویٰ و یقین

إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحْلُونَهُ عَامًا وَيَحْرِمُونَهُ عَامًا لِّيُؤَاطُوا
عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءَ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الْكَافِرِينَ

﴿۳۷﴾

جابه‌جایی دادن ماه حرام	ازدیاد باشد همی در کفر تام
می‌فزاید بار کفار در ضلال	پیش خود ماه حرام سازند حلال
سالی خوانند ماهی از ماه‌ها حرام	سال دیگر نیست حرام اندر کلام
که شوند در هم حرام و هم حلال	تا کنند پامال، امر ذوالجلال
این‌چنین اعمال سوء ناخواسته	می‌شود در چشمشان آراسته
راه ننماید خداوند در جهان	بر هدایت زین گروه کافران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْقُلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ
بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ

﴿۳۸﴾

ای که هستید از گروه مؤمنین!	مر شما را چه شده در راه دین؟
وقتی گویند که بسیج حق شوید	بر متاع دنیوی مایل شدید؟
از جهان راضی بگشتید از خطا؟	جای عقبی و به رجعت بر خدا؟
هست قلیل بی‌شک متاع دنیوی	در قیاس با آن جهانِ آخری

إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَ يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَ لَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ

﴿۳۹﴾

گر که نه بیرون شوید بهر جهاد در ره خالق چو فرمانش بداد

بر شما آید عذاب اندر زمین جایتان یک قوم دیگر جایگزین
از شما نبود ضرر بر کردگار بر همه چیز قادر است پروردگار

إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ
لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ
كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى ۗ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

﴿۴۰﴾

گر نباشید یار و یاور بر رسول نصرتش حق می‌دهد اندر اصول
تا که بیرونش نمودید از تباه اندر آن غار هر دو آوردند پناه
گفت به همراهش که نی‌باش تو هم مترس! ایزد بود با ما قرین
غمین

داد آرامش ز لطفش کردگار با طمأنینه بگشت او پایدار
از جنود غیبی آمد بی‌عدد تو نبینی که چه سان کرده مدد
هر حدیث و هر ندا از کافران داده خفت بهر آن، ربّ جهان
هر ندایی از خدا در روزگار گشته اعلا مرتبه هم استوار
هست توانا حق تعالی، آن کریم در کمال قدرت و باشد حکیم

إِنْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ
تَعْلَمُونَ

﴿۴۱﴾

پس مجهّز هم سبکبار، گونه‌گون یک‌به‌یک از خانه‌ها آیید برون
بر جهاد در راه پاک ذوالجلال جمله ایثار آورید از جان و مال
این بود بهتر، یقین بر سودتان گر نمایید فهم و ادراک اندر آن

لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَّاتَّبَعُوكَ وَلَكِنْ بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ ۚ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ
اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

گر کنی دعوت رسولا! بر سفر
از طمع در جمع مالِ دنیوی
لیک اگر ره شاق باشد هم بعید
گر توانایی بُدی ما را به کف
چون چنین بی‌پاک دروغ آورده‌اند
حق بداند کاین جماعت جملگی
که بود پُرسود و سهل اندر نظر
می‌نمایند از تو آنکه پیروی
می‌کنند یاد از قسم‌هایی شدید
همره تو می‌شدیم در رزم و صف
خویشان را بر هلاکت داده‌اند
بس دروغ گویند اندر زندگی

عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ

عفو بفرماید تو را ربّ جهان
از چه رو دادی اجازه آن‌چنان؟
بود اولی‌تر که در آن ماجرا
تا شناسی زین میان تو صادقان
ای نبی! و ای رسولِ مهربان!
که کنند ترک جهاد آن مردمان
تو نمی‌دادی اجازه ابتدا
و جدا گردند ز آنها کاذبان

لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
بِالْمُتَّقِينَ

از تو رخصت هیچ نجویند مؤمنان
تا کنند اندر جهاد حق درنگ
آگه است آن ذاتِ ربّ‌العالمین
بر همه اعمال و حالِ متّقین
که قبول دارند سرای جاودان
بلکه با مال و ز جان آیند به جنگ

إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ
يَتَرَدَّدُونَ

از تو خواهند غافلانی ای رسول! که ندارند رب و محشر را قبول
تا معاف گردند در وقتِ جهاد داشته شک اندر قلوب و در نهاد

﴿وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انْبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ أَفْعَدُّوا مَعَ
الْقَاعِدِينَ﴾

﴿۴۶﴾

گر اراده می نمودند بر غزا که برون آیند ز خانه با رضا
می شدند آنکه مهیا با جهاز هم تهیه می نمودند برگ و ساز
لیک کراحت داشت ایزد زین سفر چون نبودند لایق، آن اهل سقر
بازشان داشت و بفرمود این چنین که نشینید خانه همچون قاعدین

لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَاعُونَ
لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ

﴿۴۷﴾

بر جهاد ایشان اگر آیند برون جز تباهی ها نمی گردد فزون
از سخن چینی، دروغین قصه ها می نمودند بس فساد و فتنه ها
بینتان دارند جاسوس سربه سر که برند و آورند دائم خبر
فعلشان باطل بود از روی کین حق بود آگه ز حال ظالمین

لَقَدْ ابْتِغُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّىٰ جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ

﴿۴۸﴾

فتنه ها کردند ایشان پیش از این این گروه جاهل و این غافلین
از دروغ هایی که بافتند مستمر بر تو دادند جلوه وارونه خبر
نصرت و تأکید حق تا که رسید امر حق شد آشکارا و پدید
گر چه ایشان نیز از الطاف تام گشته ناراحت به اکراه تمام

وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ ائْذَنْ لِي وَلَا تَفْتِنِّي ۚ اَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا ۚ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَحِيْطَةٌ بِالْكَافِرِيْنَ

﴿ ۴۹ ﴾

برخی از ایشان ز قوم بدنهاد
تا نیفتیم ما به فتنه زین جدال
الحق ایشان خود به فتنه رفته‌اند
هست جهنم بس محیط بر کافران
بر تو گویند ده معافی از جهاد
ضایع از ما نیز نگردد جان و مال
دل به کفر و کین همی بسپرده‌اند
اندر آن مأوا بمانند جاودان
إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ ۖ وَإِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرًا مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا
وَهُمْ فَرِحُونَ

﴿ ۵۰ ﴾

بر تو نیکی گر رسد گاهی، نبی!
گر مصیبت یا شکست آید پدید
هم بگویند که صحیح بود رأیمان
رو بگردانند ز دین بس شادمان
می‌شوند غمناک این قوم دنی
جمله خوشحالی نمایند بس شدید
که نینداختیم خطر ما جانمان
این گروه غافل و این جاهلان
قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا ۚ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

﴿ ۵۱ ﴾

ای رسول! گو که در دورِ قضا
جمله از حکمت نوشته مستند
خیرخواه و هم توکل‌ها به اوست
هر که مؤمن هست و نیاتش
نیست بر ما هیچ الا از خدا
چون بود مولایمان ذات احد
نکوست

قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ ۖ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ
مَنْ عِنْدِهِ أَوْ بَأْيَدِنَا ۖ فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ

﴿ ۵۲ ﴾

انتظار دارید به چه، ناباوران؟! که دو نیکی حاصل آید سویمان
یا بهشت یا که ظفر در هر زمان عاقبت باشد یکی زان سهمیمان
نیز هستیم منتظر ما بر عقاب تا رسد از حق شما را بس عذاب
یا به دست ما بمیرید در جدال یا عذاب بینید ز ذات ذوالجلال
چشم به راه باشید اینک غافلان! منتظر مانیم ما هم این میان

قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِلَّا نِكْمٌ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ

﴿۵۳﴾

گو کنید انفاق اگر اموالتان چه به اکراه باشد آن یا میلтан
نیست مقبول مطلقاً نزد خدا چون که باطل هست اعمال شما
قومی باشید جملگی از فاسقان جاهل و بدکار و از ناباوران

وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقَبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ

﴿۵۴﴾

هیچ چیزی نیست مانع در اصول که ز ایشان گردد انفاقی قبول
جز مگر که بر خدا کافر شدند هم برون از راه پیغمبر شدند
رو نیارند بر نماز از جاهلی جز مگر با سستی و هم کاهلی
هم نپردازند انفاقی ز مال جز به اکراهی و با آزرده حال

فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ

﴿۵۵﴾

در تعجب تو مباش هرگز نبی! که ز اولاد و ز مال دارند بسی
گر همی خواهد خدا، اولاد و مال بر همه اهل نفاق گردد و بال

نیست جز آنکه خدای مستعان بخشد آنها را عذابی در جهان
 اندر آن حالی که از جهل کافرنده مرگشان آید فرا و جان دهند
 وَيَخْلِفُونَ بِاللّٰهِ اِنْهُمْ لَمِنَكُمْ وَمَا هُمْ مِّنْكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَّفْرُقُونَ

﴿۵۶﴾

می‌خورند ایشان سوگندها چنین که بوند همچون شما در راه دین
 لیک نیستند از شما با قلبشان بلکه ترسان از شمایند جمعیشان
 لَوْ يَجِدُونَ مَلَجًا اَوْ مَغَارَاتٍ اَوْ مَدْخَلًا لَّوَلَوْ اِلَيْهِ وَهَمُّ يَجْمَحُونَ

﴿۵۷﴾

ملجائی یابند اگر در غارها در جبال و قلعه و در راهها
 اندر آنجا می‌روند و می‌خزند از شما آنجا ز ترس پنهان شوند
 وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَاِنْ اَعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطَوْا مِنْهَا اِذَا هُمْ
 يَسْتَخْطُونَ

﴿۵۸﴾

بر تو آرند اعتراضی این خسان چون کنی تقسیم صدقات بینشان
 گر دهی تو سهم ایشان را زیاد گشته خرسند و همی باشند شاد
 وَرَّكَ دَادِي بِرِ حَسَابِ رَوِي سِيَاق می‌شوند خشمگین ز تو اهل نفاق
 وَلَوْ اَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللّٰهُ سَيُؤْتِينَا اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ اِنَّا
 اِلَى اللّٰهِ رَاغِبُونَ

﴿۵۹﴾

بهتر آن بودی که می‌کردند قبول هر چه آید از خدا و از رسول

یعنی گویند کافی باشد این عطا که بود فضل رسول و از خدا
ما همه مشتاق به لطفِ کردگار تا دهد آمرزش اندر روزگار

﴿ إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ
وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ ۖ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴾

﴿ ۶۰ ﴾

مصرف صدقات در راه خدا بهر مسکین است و بهر بینوا
هم بود سهمی برای عاملین که کنند تقسیم اندر راه دین
همچنین از بهر الفت در قلوب تا به راه نیک روند، نی بر ذنوب
بهر آزاد کردن چند بردگان بردگانی که بوند از مؤمنان
هم بدهکاران که هستند وامدار سخت مقروضند به حال اضطرار
آن که از درماندگیست ابن سبیل در ره حق این فریضه شد دلیل
این چنین واجب شد از ربِّ کریم آن که بر عالم علیم است و حکیم

وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ ۚ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ
لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ ۚ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

﴿ ۶۱ ﴾

قومی از ایشان که بنمودند عدول می کنند از جهل، آزار رسول
از روی طعنه بگویند که نبی هر چه گوییم باورش آید همی
گو بود این سادگی بر خیرتان چون که مؤمن هست به ربِّ دو
جهان

همچنین تصدیق کند او مؤمنین زین سبب هست رحمة للعالمین
هر که آزار داد پیمبر روی کین سهم او باشد عذابی بس مهین

يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيَرْضَوْكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ إِنَّ كَانُوا مُؤْمِنِينَ

﴿ ۶۲ ﴾

بر خداوند گاه سوگندی خورند تا شما را در امور راضی کنند
 گر که بودند راستگو اهل نفاق بهتر آن بود کز وداد و از وفاق
 کرده خوشنود هم نبی و کردگار گر که مؤمن بوده‌اند و استوار
 أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ

﴿۶۳﴾

هیچ ندانند که اگر گردند عدو بر رسول و همچنین بر ربّ او
 در جهنّم وارد آیند این خسان تا ببینند سخت عذابی جاودان
 نیست جز آنکه بر این قوم لثیم ذلّت و خواری نصیب باشد عظیم
 يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنْزَلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ ۚ قُلِ اسْتَهِزُّوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَّا تَحْذَرُونَ

﴿۶۴﴾

سخت بترسند این منافق‌سیرتان که رسد یک سوره از ربّ جهان
 تا دهد از قلبِ ایشان آگهی زان همه کین و عناد و گم‌رهی
 گو که استهزا کنید اینک فزون ای شما اهلِ نفاق و قومِ دون!
 زانچه می‌ترسید، خداوند جلیل بر سرتان آورد، گردید ذلیل
 وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ ۚ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ

﴿۶۵﴾

گر که پرسی زین گروهِ حيله‌باز پس چرا ریشخند کنید روی مجاز
 پاسخی گویند، مزاحی رانده‌ایم از سر شوخی چنین ما گفته‌ایم
 کن نبی! اینک سؤال، که از گناه مسخره کردید رسول و هم اله؟
 لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ ۚ إِنَّ نَعْفَ عَنْ طَائِفَةٍ مِّنْكُمْ نُعَذِّبُ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ

هیچ نیارید عذر این‌سان بی‌فروغ که قبولِ ما نباشد این دروغ
بعدِ ایمان، کفر آوردید زِ کین گشته‌اید اینک همه از ناقضین
گر ببخشیم بعضی را از لطف ما ساده‌لوحانی که بودند با شما
لیک بقیه مجرمید بِالاتِّفَاقِ ما نمی‌بخشیمتان از این نفاق

الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ
وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ تَسُؤُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

آن منافق‌سیرتان از مرد و زن عین هم باشند در فعل و سخن
حامی یکدیگرند در جهلِ خویش امر بر منکر نمایند بیش و بیش
مانعند بر کارِ نیکو این خسان بسته‌اند دستان زِ نفعِ مردمان
کرده‌اند ایزد فراموش آن خسان حق برد از یادِ خود آن فاسقان

وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَهُمُ
اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ

وعده فرمودست، ربّ‌العالمین بر منافق، مرد و زن را اجمعین
همچنین بر کافرانِ بس لئیم در جهنّم می‌روند، قعرِ جحیم
اندر آنجا نیز بمانند جاودان می‌رسد کافی حساب آن خسان
لعنتِ حق است به آن قوم لئیم در عذابی بس بزرگ گردند مقیم

كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَ أَكْثَرَ أَمْوَالًا وَ أَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ
فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا
أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

همچو آنهایید که اندر ماسبق
از شما داشتند فزون تر آن خسان
بهره‌هایی برده‌اند بس آشکار
بر فراموشی سپردید آن هلاک
بر تباهی رفته چون قوم ضلال
اندر این دنیا و اندر آخرت
در حقیقت این‌چنین اقوامِ دون
بس زیانکارند و باشند خاسرون

بر ضلالت رفته، نی بر راهِ حق
مال و اولادِ زیادتر در جهان
مثل و مانند شما زین روزگار
اندر این دنیای فانی روی خاک
خود فرو رفتید شما هم بالمآل
کلّهم باطل بگشته هر جهت
اندر این دنیا و اندر آخرت
در حقیقت این‌چنین اقوامِ دون

أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ
وَالْمُؤْتَفِكَاتِ ۚ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ ۖ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ
يَظْلِمُونَ

هیچ نگشتند باخبر از پیشتر؟
قومِ نوح و همِ ثمود و قومِ عاد
مؤتفکات، قومِ لوطِ پُرگناه
کامد ایشان را رسل با بیّنات
هیچ ستم از حق نیامد بر اُمم

که چه آمد بر سر اقوامِ شر؟
قومِ ابراهیم و مدین، بدنهاد
که غضب دیدند از ذاتِ اله
از خداوند با نشان و معجزات
بلکه خود کردند بر خویشان ستم

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۚ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ أُولَٰئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ
عَزِيزٌ حَكِيمٌ

مؤمنین و مؤمنات بر کردگار
امر بر نیکی نمایند، چاره‌ساز

یاور همدیگرند در روزگار
لیک ز منکر همدگر دارند باز

بر نماز آیند به سوی ذوالجلال هم بپردازند زکات خود ز مال
می‌برند فرمان یزدان در اصول پیروی نیز می‌نمایند از رسول
شاملند بر رحمت ربِّ رحیم از خداوند عزیز و آن حکیم

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

﴿۷۲﴾

وعده‌ای باشد ز ذاتِ کردگار بر زن و مردانِ مؤمن آشکار
بر بهشتی که بمانند جاودان که بود در زیر آن جوها روان
هست مسکن‌های نیکو در بهشت باغِ رضوان بهر هر نیکوسرشت
برتر از آن هست رضای کردگار که شود اهل بهشت را افتخار
سهمِ مؤمن باشد آن فوزِ عظیم این‌چنین پیروزی از لطفِ عمیم

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَا وَأَهُمُ جَهَنَّمَ وَبُئْسَ الْمَصِيرُ

﴿۷۳﴾

ای رسول! کن جهاد در راه دین با منافق‌ها و کفار اجمعی
هم ترشروی نما و سخت گیر بهر ایشان دائماً می‌باش نذیر
این جماعت را بود دوزخ مسیر جمله در منزلگهی بد جایگیر

يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

﴿۷۴﴾

بس قسم‌ها می‌خورند بر کردگار که نگفتند هیچ حرفی، ناگوار
گفته‌اند لیکن، ایشان روی کین بعدِ اسلامی که آوردند چنین

قصد سوء کردند و هم بشتافتند لیک توفیقی بر آن نایافتند
جای شکرِ نعمت از بهر غنا که خدا داد و پیمبر کرد عطا
دشمنی کردند از روی عناد چون که بودند مردمانی بدنهاد
گر کنند توبه کنون اهل نفاق بهرشان بهتر بود بالاتفاق
ور کنند پشت، می‌رسد آنکه عذاب در جهان و آخرت بیند عقاب
این‌چنین اهل نفاق و کفرین یآوری هرگز نبیند در زمین

﴿ وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهَ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴾

﴿۷۵﴾

زین جماعت برخی از نابخردان عهد چنین بستند با ربّ جهان
گر دهی نعمت و رحمت پُر و فور ما نیوییم بعد از این راهِ قصور
می‌کنیم تصدیقت ای ربّ جهان! هم بگردیم جملگی از صالحان

فَلَمَّا آتَاهُم مِّنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ

﴿۷۶﴾

تا عطا فرمود خدا از فضل خویش بخل ورزیدند در آیین و کیش
روی گردانده، شدند از مُعرضون این گروه پست و این افراد دون

فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ

﴿۷۷﴾

زان همه بخل در قلوب بالاتفاق جملگی گشتند از اهل نفاق
تا به یوم حشر و هنگام جزا که بشد وعده بر آنها از خدا
بر عذابی می‌رسند ایشان گران زانچه تکذیبش نمودند جاهلان

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ

هیچ نمی‌دانند خداوند جهان؟ آگه است از نیت و اسرارشان؟
 زانچه نجوا می‌کنند با یکدیگر بر در گوش‌ها بگویند سربه‌سر
 یا هر آنچه هست پنهان در قلوب عالم است و اوست علام‌الغیوب

الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ
 فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ لَا سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

آن کسانی که ز بخل بر مؤمنین عیب‌جویی‌ها کنند از روی کین
 گر کنند ایثاری ناچیز مؤمنان یا تصدق کم دهند، حدّ توان
 آن گروه پست و آن بدسیرتان طعنه‌ها آرند و هم ریشخندشان
 در قبال این تمسخر وین گناه پاسخی بینند از ذاتِ اله
 سهمشان باشد عذابی بس آلیم کاین مجازاتیست از ربِّ علیم

إِسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ
 بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

خواهی آمرزش، رسولِ مهربان! یا نخواهی بهر این نابخردان
 گر طلب آری تو هفتاد مرتبت بهرشان مقبول نیفتد مغفرت
 رفته‌اند اندر ضلالت از عدول گشته‌اند کافر به یزدان و رسول
 نیست هدایت از خدای مهربان چون نباشند لایقش آن فاسقان

فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي
 سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ

غافلان چون که بگشتند جمله شاد
 کرده خُلفِ وعده آن جمع و عدول
 بس کراهِت داشته آن قومِ پریش
 بازگفتند هم به جمعِ مؤمنون
 پس بگو، باشد آشد سوزِ سقرِ
 که بود از بهرتان آنجا مقرر
 از ابا کردن ز رفتن در جهاد
 همراهی در جنگ نکردند با رسول
 تا کنند ایثار ز جان و مال خویش
 اندر این گرما نباید رفت برون

فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

﴿۸۲﴾

شادی‌ها از بهرشان گردیده کم
 این جزایی باشد از حق در حساب
 اکثرأً گریه نصیب دارند و غم
 زانچه کز اعمال بکردند اکتساب

فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِّنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَّنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَكِن تَقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ

﴿۸۳﴾

پس اگر باز آردت ربِّ جلیل
 رخصتی گر خواستند از تو رسول!
 بازگو، نیستید مُجاز بر همراهی
 بار اول که جهادی سر رسید
 باز نشینید خانه‌ها از کاهلی
 که نباشید لایق این همراهی
 سوی آن نابخردان بس ذلیل
 که جهاد آیند، منما هیچ قبول
 در جهاد راه حق و هم نبی
 بر نشستن جای جهدِ راضی شدید

وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَّتَّ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ

﴿۸۴﴾

گر بمیرد فردی زین اهل مجاز
 بر سر گورش نرو بهر دعا
 بر چنان میّت، نبی! مگذار نماز
 چون که مقبول آن نگردد بر خدا

زان که ایشان بر خدا کافر شدند طاغی بر دستور پیغمبر شدند
 جان بدادند در نفاق و فاسقند بر نماز و این دعا نالایقند
 وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ ۚ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ
 وَهُمْ كَافِرُونَ

﴿۸۵﴾

در تعجب تو مرو ای خوش‌نهاد! زان که دارند مال و اولادی زیاد
 می‌شود اولاد و هم این گونه مال بهر ایشان رنج و هم وزر و وبال
 جان ایشان می‌رود بیرون ز تن در ره کفر سوی ربّ ذوالمنن
 وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا
 ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ

﴿۸۶﴾

گر یکی سوره ز حق نازل شود که به یزدان قلبشان مایل شود
 کآورید ایمانی از روی و داد با نبی یاری کنید اندر جهاد
 مال‌داران می‌نهند بس عذرهای که بده اذن تا نیاییم با شما
 در سرا باشیم و ایمن از زیان در ردیف جمله‌ی بنشستگان
 رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ

﴿۸۷﴾

راضیند بر آن که اندر خانه‌ها برنشینند با زنان و بچه‌ها
 رنگی از ظلمت بگیرد قلبشان تا نیابند از حقیقت هیچ نشان
 لَكِنَّ الرُّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ ۚ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ ۚ
 وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

لیک پیغمبر و جمع مؤمنان که جهاد آرند از مال و زِ جان
هست خیرات بهرشان در روزگار آخرالامر می‌شوند نیز رستگار

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

حق بیاراسته بهشت را بهرشان زیر بُستان‌هاست نهرهای روان
اندر آنجا نیز بمانند جاودان هست این فوزِ عظیم، بس بی‌کران

وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ
كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

آمدند بعضی زِ اعرابِ دورو تا بیارند بس بهانه پیشِ رو
تا بگیرند رخصت و عذر از رسول که نمایند از جهاد و جهدِ عدول
باز بنشستند به خانه بی‌فروغ بر خدا و بر رسول بستند دروغ
می‌رسد بر این جماعت بدِ عقاب هست آلیم از بهرِ این کفارِ عذاب

لَيْسَ عَلَى الضَّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَىٰ وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا
لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

نیست حرج بر عاجز و بیچارگان هم مریض احوال از جسم و روان
آن فقیران که ندارند هیچ مال تا دهند از بهرِ اولاد و عیال
از جهاد و از جدال باشند معاف گر نپویند در جهاد راه خلاف
همچنین اندرز دهند بر دیگران بر حمایت از رسول و رِیشان

از غزا کردند معاف این محسنان هست غفور و مهربان ربّ جهان
وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ
مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يَنْفِقُونَ

﴿۹۲﴾

همچنین نبود حرج بر آن کسان که بیایند نزد تو از بهر آن
تا بری ایشان به سوی کارزار لیک دهی خرج سفر، اسباب کار
هست جواب تو ولی زین ماجرا که نباشد منبع و مالی مرا
پس کنند ترک تو و آرند رشک دیده‌هاشان پُر بگردد هم ز اشک
چون ندارند استطاعت زین سفر جای خود با غم بمانند مستقر
بر چنین افراد پاک و نیک‌نهاد نیست حرج چون که نیایند در
جهاد

﴿۵﴾ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُوكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ
وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

﴿۹۳﴾

سرزنش لازم بود لیک با عتاب صاحبان مال و مکت در حساب
رخستی خواهند ز نزدت ای رسول! تا نیایند در جهاد، سازند عدول
جمله می‌خواهند با اهل و عیال در امان باشند به خانه بی‌خیال
بر قلوب این خسان در روزگار می‌زند مُهرِ تباهی کردگار
بر ضلالت می‌روند اندر جهان عاجزند از درک حق نابخردان

يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَأْنَا اللَّهَ مِنْ أَخْبَارِكُمْ
وَسِيرَى اللَّهِ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تَرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ
تَعْمَلُونَ

﴿۹۴﴾

چون که پیروز گشتید اندر کارزار
ای رسول! تو بر آن قوم ذلیل
بهر ما کرده خدا روشنگری
وانچه دارید از نفاق اندر خفا
رجعتان آخر الامر بر خداست
پس شوید آگه بدانچه کرده‌اید
عذرهایی آورند آن قوم خوار
گو نخواهم از شما عذر و دلیل
زانچه داشتید نیت و پنهانگری
بر نبی نیز هر چه بنمودید جفا
آن که عالم بر شهود و بر خفاست
زان عملکرد و خطاهای پلید

سَيَحْلِفُونَ بِاللّٰهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لَتُعَرِّضُوا عَنْهُمْ ۖ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ ۖ إِنَّهُمْ رِجْسٌ ۖ وَمَا وَاهُمْ جَهَنَّمَ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

﴿۹۵﴾

چون ظفرگونه، شما آیید باز
تا مگر بخشید آن اعراضشان
پس شما هم پشت بر آنها کنید
هست منزلگاه ایشان در جحیم
می‌خورند سوگند به رب، اهل مجاز
آن عدول از جنگ و از اعمالشان
از چنین اهل نفاق، قوم پلید
زانچه کسب کردند از فعل لئیم

يَحْلِفُونَ لَكُمْ لَتَرْضَوْا عَنْهُمْ ۖ فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ

﴿۹۶﴾

می‌دهند سوگند شما را بس شدید
نیست خدا راضی ز ایشان اجمعین
تا مگر از این خسان راضی شوید
چون که هستند این جماعت
فاسقین

الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

﴿۹۷﴾

هست اشد در منتهی اعراب را
در نفاق و کفر و هم آداب را

از علوم دین و دانش بی‌خبر زانچه نازل بر نبی شد مستمر
 حق تعالی آگاه است و او علیم بر جهان و ماسوی باشد حکیم
 وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ الدَّوَائِرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَاللَّهُ
 سَمِيعٌ عَلِيمٌ

﴿۹۸﴾

هم منافق بوده جمعی تازیان که بخوانند کارِ انفاق را زیان
 از سرِ کین نیز دارند انتظار تا بلایی سخت ببینید ناگوار
 لیک ندانند نیتی این‌سان پلید آخر الامر خود بدان خواهند رسید
 بشنود حق جمله اسرارِ نهان هست آگاه و علیم ربّ جهان
 وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ
 الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

﴿۹۹﴾

برخی از اعراب هستند مؤمنین بر خدا و بر رسول و يوم دین
 گر کنند انفاق از جان و ز مال آن بخوانند لطفِ ذاتِ ذوالجلال
 هم دعایی از رسول گشته سبب که مقرب گشته‌اند در نزدِ رب
 این بدانید و شوید آگاه شما گشته انفاق موجبِ قربِ خدا
 حق ببخشاید به ایشان جنتان رحمتش را آن غفور و مهربان
 وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ
 رَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

﴿۱۰۰﴾

پیشگامانی که گشتند مؤمنین هم ز انصار و مهاجر اجمعین
 آن کسان که در نخست جویا شدند بر قبولِ امرِ حق کوشا شدند

کارشان بوده به نیکی منطبق حق ز ایشان راضی و ایشان ز حق
 کرده آماده بهشت را بهرشان جاری هست نهرها به زیر پایشان
 جاودانه اندر آنجايند مقیم رستگاری این چنین باشد عظیم

وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ ۖ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُّوا عَلَى النَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ ۖ
 نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ ۚ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ

﴿۱۰۱﴾

هستند از اعراب در بیرون شهر بس دورویند و منافق، اهل قهر
 هم ز اهل شهر اعرابی دورو بر نفاق و کذب، ایشان کرده خو
 نیستی آگه تو از احوالشان ما بدانیم در خفا نیاتشان
 در دو نوبت سهم دارند بر عذاب اندر این دنیا و در روز حساب
 عاقبت بیند عذابی بس آلیم سهمشان اندر عقوبت ها عظیم

وَأَخْرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَىٰ اللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ ۚ إِنَّ
 اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

﴿۱۰۲﴾

برخی دیگر جملگی بر اتفاق کرده اذعان بر گناه و بر نفاق
 کار صالح کرده و کار قبیح لیک طالب گشته تا گردند صحیح
 ای بسا که حق پذیرد عذرشان چون بگفتند از دل و نیاتشان
 حق تعالیٰ مهربان است و کریم او غفور است و ببخشاید رحیم

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ ۖ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ ۖ وَاللَّهُ
 سَمِيعٌ عَلِيمٌ

﴿۱۰۳﴾

از صدقات و ز خیرات کن قبول آنچه را از مال دهند بر تو، رسول!

تا کنی تطهیر بدین سان روحشان تزکیه گردانی هم انفاسشان
 با دعای خیر خود نزد خدا روح ایشان را ببخشایی صفا
 تا که تسکین یافته از لطف عمیم از خداوندِ سمیع و آن علیم

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

﴿۱۰۴﴾

مؤمنان آیا ندانند کز و داد؟ توبه را حق می‌پذیرد از عباد
 هم پذیرد صدقه و خیراتشان حق بود توّاب و باشد مهربان

وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلَىٰ اِلٰهِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ
 الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

﴿۱۰۵﴾

گو نماید هر چه را اندر جهان حق ببیند جملگی کردارتان
 هم ببیند آن رسولِ مهربان همچنین ببیند آن را مؤمنان
 رجعتتان هست به سوی کردگار او بود عالم به غیب و آشکار
 کار نیکو گر نماید یا که بد می‌کند آگاهتان ذاتِ احد

وَأَخْرُونَ مَرْجُونَ لَأَمْرِ اللَّهِ اِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

﴿۱۰۶﴾

جمعی باشند پُرگنه اندر جهان هست موکول بر خدا فرجامشان
 گر بخواهد او عقوبت می‌دهد یا که بر غفران و رحمت رو نهد
 حق بود آگاه و می‌باشد حکیم این‌چنین است حکمت ربِّ کریم

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ
 وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ اِنْ اَرَدْنَا اِلَّا الْحُسْنٰى ۖ وَاللَّهُ يَشْهَدُ اِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

مسجدی اهل ریا کردند بنا
نیتشان بر ضرر بود و زیان
تا سپارند تفرقه بر مؤمنان
با خدا و با نبی بنموده جنگ
بر زبان آرند قسم‌هایی چنین
لیک دروغ گویند از کین و گناه
تا که مکاری کنند آنجا به‌پا
از عناد و کینه‌های بی‌کران
رهگشایی‌ها کنند بر دشمنان
زین نفاق آشکارا پر ز ننگ
که نباشد این بنا جز بهر دین
ذات ایزد شاهد و باشد گواه

لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا ۚ لَمَْسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ ۖ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ ۚ فِيهِ رِجَالٌ
يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا ۚ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ

اندر آن مسجد مرو هرگز رسول!
آن دگر مسجد که بنیان و اساس
تو نماز آنجا بخوان و کن مقام
طالبان تزکیه بر نفس خویش
حق تعالی دوست دارد طاهرین
تا نماید آن بنا آنکه افول
بوده بر تقوی و راستی بهر ناس
تا درآیند مردمان نزدت تمام
که مطهر گشته در آیین و کیش
در صراط مستقیم و راه دین

أَفَمَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ
هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ ۚ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

گر کسی مسجد بسازد بهر حق
با رضای رب و ذات کردگار
در تساوی هست با اهل ریا؟
پایه و بنیان آن ناپایدار
عاقبت گردد بنایش واژگون
بوده بنیانش به راستی منطبق
کرده مسجد را چنین او برقرار
که بکرده مسجدی را او به‌پا؟
در مسیلی کرده آن را برقرار
قعر دوزخ صاحب آن سرنگون

حق نمی‌بخشد هدایت در جهان بر ستمکاران و قوم ظالمان

لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

﴿۱۱۰﴾

چون بساختند یک بنایی این‌چنان راه بیابد شک و ریب در قلبشان
تا مگر دل‌های ایشان زین جفا پاره پاره گردد از کارِ خطا
حق بود آگاه و می‌باشد علیم حکمتش لامنتهی و او حکیم

﴿۵﴾ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ ۚ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ ۖ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ ۚ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ ۚ فَاسْتَبْشِرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ ۚ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

﴿۱۱۱﴾

حق خرد از مؤمنان خوش‌سرشت جان و هم اموالشان را بر بهشت
بر جهاد تا که بیایند بر جدال در ره یزدان پاک آن ذوالجلال
گر گشند یا کشته گردند در نبرد وعده‌ای را حق بر ایشان یاد کرد
بوده در تورات و انجیل در قدیم همچنین مذکور به قرآن کریم
از خداوند باوفا تر در کلام کیست تا اجرا کند در حدّ تام؟
پس بشارت خود دهید بر خویشان ای گروه مؤمنان! از مرد و زن
کاین چنین عهده‌ی که بستید با اله هست آن فوزِ عظیم اندر پناه

الَّتَائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ
عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ ۗ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

﴿۱۱۲﴾

آن کسان که توبه کردند بر اله همچنین آن عابدان بی‌گناه
حمدگزاران بر سوی ربّ جهان روزه‌داران و رکوع‌آرندگان

ساجدین و آمرین بر کار خوب نهی کننده از گناهان و ذنوب
حافظان اندر حدودِ راه دین ده بشارت کَلِّهِمْ با مؤمنین

مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا
تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

﴿۱۱۳﴾

بر نبی و اُمّتِ او نیست صحیح کز برای مشرکانِ بس قبیح
کرده آمرزش طلب از کردگار گر که حتی خویش باشند و تبار
چون محقق، این چنین افرادِ دون می شوند در قعرِ دوزخ سرنگون

وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ
مِنْهُ ۚ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ

﴿۱۱۴﴾

ابرهیم که بود رسول بر راه راست مغفرت بهر پدر از حق نخواست
وعدۀ داد بر لطف ذاتِ کردگار بر پدر هم عمّ خود نیز آشکار
تا بشد روشن که می باشند عدو بر خدای واحد و آن ذاتِ هو
جُست بیزاری ز ایشان ابرهیم در مقام بندگی می بود حلیم

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ
عَلِيمٌ

﴿۱۱۵﴾

حق نخواهد ساخت قومی را تباه بعد آنکه کرد هدایت سوی راه
روشنی بخشاید از بالا و پست تا بگردند متّقی و حق پرست
ذاتِ ایزد آن خداوندِ کریم بر همه چیز آگه و باشد علیم

إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

﴿۱۱۶﴾

هست حاکم بر سماوات و زمین صاحب است آن ذاتِ ربّ العالمین
می‌کند زنده، بمیراند سپس نیست استثنایی بهر هیچ‌کس
هم نباشد بهرتان در روزگار نه نصیر و یاورى جز کردگار

لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا
كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ

﴿۱۱۷﴾

رحمتِ حق گشته شامل بر نبی بر مهاجر، بهر انصار نیز همی
کاندَر آن روزِ جهاد و تنگنا سستی ورزیدند از ترس فنا
لیک به نزد آن بشیر و آن نذیر ذاتِ ایزد شد ز لطف توبه‌پذیر
هست خداوند آگه و باشد علیم بهر مخلوقش رئوف و هم رحیم

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ
أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ
الرَّحِيمُ

﴿۱۱۸﴾

حق پذیرفت توبه را از آن سه کس کز جهاد کردند ابا و روی، پس
بهر ایشان تنگ گردید این زمین گشته مغضوبِ خلائق اجمعین
تنگ شد دل‌های ایشان، پر ز غم سرزنش کردند دائم نیز به هم
تا بدیدند جز خدا نبود پناه دادشان توفیقِ توبه پس اله
تا کنند توبه به یزدانِ حلیم حق‌تعالی هست توّاب و رحیم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ

اهل ایمان! سوی ربّ العالمین دائماً تقوی بجوید از یقین
همچنین باشید ز جمع صادقین یعنی با اخلاص اندر راه دین

مَا كَانَ لِلْأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا
بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا
يَطْئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ
لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

نیست جایز بر مدینه ساکنان
که خلاف جویند و بنمایند عدول
که بدانندی عزیز آن جان خویش
چون هر آنچه بهرشان در زندگی
هر چه افتند مخمصه در روزگار
هر قدم را که بیارند آن چنان
همچنین هر دستبردی زین میان
در قبال این همه، بی گفتگوی
پس خدا ضایع نگرداند یقین
همچنین اعراب در اطرافشان
زانچه آید امر و فرمان از رسول
در مقابل با نبی خواهند بیش
پیش آید تشنگی و خستگی
جملگی در راه ذات کردگار
تا کنند خشمگین جمیع کافران
که بیارند وارد بر آن دشمنان
نامه‌ی اعمالشان گردد نکوی
کارهای نیک و اجر محسنین

وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ
مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

نی کنند انفاق کم یا که زیاد
جز که گردد ثبت اندر لوحشان
می دهد پاداش بیشتر کردگار
هم نپویند راهی از روی و داد
از رضای حق بر افزون اجرشان
بر چنین کارهای نیکو آشکار

﴿ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً ۚ فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴾

﴿ ۱۲۲ ﴾

نیست شایسته که کلّ مؤمنان
بلکه از هر قوم، جمعی بر جهاد
بهر دین و معرفت نزد رسول
آنچه آموختند زِ بهر خویشان
تا بگردند متقی آن اهل و ایل
برحذر از کفر گردند در سبیل

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً ۚ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

﴿ ۱۲۳ ﴾

ای گروه مؤمنان! بر کردگار
بر جهاد روی آورید اندر جهان
باید ایشان از شما در نزد خویش
هم بدانید که خدای مستعان
لازم آمد بهرتان نیز کارزار
تا شدید نزدیک بر آن کافران
سختی‌ها بینند از اندازه بیش
متقی را هست یاور در جهان

وَإِذَا مَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَّن يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا ۚ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ

﴿ ۱۲۴ ﴾

سوره‌ای آید اگر از بهر پند
بازگویند این‌چنین اهلِ نفاق
این‌چنین ارشاد و این‌سان رهنمود
هر کسی را لیک باشد اعتقاد
در کتابِ مستطابِ ارجمند
از سر کین با تمسخر و شقاق
بر کدام‌یک از شما چیزی فزود؟
اندر ایمانش فزاید بس زیاد

هم ز درک سوره در حدّ کلان گشته خرسند و بگردند شادمان
وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ

﴿۱۲۵﴾

آن که دارد لیک اندر دل مرض غرقه‌ی کین است با حقد و غرض
رجس او گردد از اندازه بیش هم بمیرد خود به حال کفر خویش
أُولَٰئِكَ يَرْوَنَ أَنَّهُمْ يَفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذْكُرُونَ

﴿۱۲۶﴾

این نمی‌بینند قوم جاهلان؟ که رسد فتنه ز حق بر امتحان
سالیانه می‌رسد یک یا دو بار امتحاناتی ز ذاتِ کردگار
می‌شوند رد جمله اندر امتحان هم نیارند توبه بر ربّ جهان
قوم جاهل که بمانند خودپسند زین تذکرها نگیرند هیچ پند

وَإِذَا مَا أَنْزَلْتُ سُورَةً نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ هَلْ يَرَاكُمْ مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ انْصَرَفُوا ۗ صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ

﴿۱۲۷﴾

گر فرود آید هر آنکه سوره‌ای از کراحت می‌کنند بر هم نظر
باز گویند سوی هم روی عناد که کسی چشمش به روی ما افتاد؟
گر که می‌بیند کسی، ساکن شویم و نه برخیزیم تا بیرون رویم
حق بگردانده ز ایشان قلبشان از شعور وامانده‌اند و فهمشان

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ

یک رسول آمد از بین شما تا هدایت بخشد او سوی خدا
 هست دشوار بهر او از هر سبب گر که افتید در فشار و در تعب
 او حریص است بر هدایت بهرتان بر نجات و همچنین بر امتنان
 مهربان است با جمیع مؤمنان رأفت و هم رحمت او بی‌کران

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

پس ابا کردند گر از یاری تو روی تابند از هواداری تو
 ای رسول! بازگو تو این کلام که خدا کافیت ما را، والسلام
 آن خدایی که نباشد غیر هو من توکل آورم بر سوی او
 آن که باشد ربّ این عرش عظیم واحد مطلق خداوند کریم